

# خانواده

## تربیت جنسی

مقصود از تربیت جنسی در جامعه ایرانی، پرورش، تعدیل، کنترل و جهت‌دهی به این نیاز ذاتی انسان است (فرهنگی، فراهانی، ۱۳۸۳).

بسیاری از دشواری‌های جنسی در بزرگسالی، پایه و اساسی در دوره خردسالی دارند (وار، ۱۹۹۹). فعالیت جنسی در اطفال، به هر گونه که باشد، می‌تواند موجب تضاد شود، زیرا از یک سو این فعالیت موجب احساس لذت در کودک می‌شود و از سوی دیگر، ترس از تنبیه و سرزنش والدین، اضطراب را در کودک پدید می‌آورد (نتینگ و بارت، ۲۰۰۴).

واندرماسن (۲۰۰۴)، تربیت جنسی را از دشوارترین بخش‌های تربیت می‌داند، زیرا از یک طرف دوران نوجوانی همراه با سرکشی‌های غریزی جنسی است و از سوی دیگر، حجب و حیای والدین در ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان باعث سردرگمی آنان در مورد این مسئله می‌شود. وی اظهار می‌دارد که در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی ششور و اشتیاق نوجوانان برای کسب اطلاعات جنسی در اوج خود است. بنابراین، چنانچه تربیت جنسی به نحو مطلوب اتفاق افتد، نوجوان کنترل و ارضای هیجانانگیز مذکور را بهتر درک خواهد کرد. وی معتقد است که آموزش مسائل جنسی باید از سنین کودکی توسط اولیا آغاز و در دوره نوجوانی تکمیل شود.

موریس دبس می‌گوید: تغییرات بلوغ به معنای اخص کلمه مستلزم تربیت جنسی است، ولی هنوز نه در خانواده و نه در مدرسه، به این تربیت اهمیت کافی داده نمی‌شود.

هر قدر والدین در تربیت جنسی کودک از روش‌ها و برنامه‌های جامع، اصولی و منطقی‌تری استفاده کنند و به جای سرزنش مطلق و پیوسته، آنان را در این زمینه آگاه‌تر نمایند، تربیت جنسی کامل‌تری پدیدار خواهد شد. تربیت جنسی نیازمند تدوین برنامه جامع تربیتی برای والدین متناسب با فرهنگ و مقتضیات جامعه ایرانی است. اکثر خانواده‌های ایرانی در سبک تربیت جنسی فرزندان خود با مشکلاتی مواجه‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها تعریف عوامل کلیدی و حیاتی در یک مدل منسجم تربیت جنسی است تا ضمن برآوردن نیازها در این مسیر، با حذف تعارض با دیدگاه‌ها و ارزش‌های حاکم بر

### تربیت جنسی سبک تربیت جنسی خانواده‌های

#### شهر تهران

تربیت، رشد تدریجی و هماهنگ همه استعدادهای آدمی است و در این بین بخش تأثیرگذاری از تربیت، حوزه تربیت جنسی با حساسیت و پیچیدگی‌های وسیع آن است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶).

تربیت جنسی اقداماتی است که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و متناسب غریزه جنسی وی صورت می‌گیرد و هدف بنیادی آن، آگاه‌سازی جنسی، تکامل رفتارهای جنسی، کمک به اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و مودت و آرامش در زندگی است (معرفای، ۱۳۷۹).

تربیت جنسی به کارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و در عین حال زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست از مجموعه وجودی انسان است (پورامینی، ۱۳۸۳).

تربیت جنسی، ارائه سلسله‌ای از اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی در حوزه زمینه‌های جنسی مرتبط با فرد و به همراه آن ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به وی در زمینه‌های آشنایی با خصوصیات جنس مخالف است (بارنز، به نقل از دوایی، ۱۳۸۴).

ارضای غریزه جنسی در هر جامعه و مکتب اعتقادی، تابع چارچوب‌ها و اصولی است که رعایت آن‌ها برای پیروان الزامی است. افرادی که چارچوب‌ها و اصول مذکور را رعایت نکنند، رفتار بهنجار جنسی نداشته، کسانی که متصف به این دسته از بهنجارها باشند، دارای رفتار بهنجار جنسی‌اند.

جامعه. به عفت و سلامت جامعه کمک کرده، راه را برای تعالی افراد هموار سازند.

انوشه و همکاران (۱۳۸۳)، در تحقیق خود نشان داده‌اند که عواملی چون وجود شرم و خجالت در بین دختران، مادران و مربیان، کوتاهی مادران و مربیان، فقدان برنامه مناسب آموزش بلوغ در مدارس، کم اطلاعی و شناخت ناکافی دختران، مادران و مربیان بهداشت مدارس از پدیده بلوغ باعث گردیده تا والدین و مربیان به تربیت جنسی کودکان و نوجوانان (به ویژه دختران) توجه کافی نداشته باشند.

دکتر مهدی سبحانی نژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد، رضا همایی، کارشناس ارشد روان‌شناسی و حمید علین، کارشناس ارشد علوم تربیتی، با انجام پژوهشی به بررسی تحلیلی سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران در سال ۱۳۸۴ پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق از این قرار است:

۱- میزان توجه خانواده‌های شهر تهران به تربیت جنسی فرزندان خود در حیطه آگاهی‌های جنسی پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. در واقع آنان چنان که باید به برنامه‌ریزی برای رشد آگاهی‌های جنسی فرزندان، ارتباط صمیمی با فرزندان برای رشد آگاهی‌های جنسی آن‌ها، برنامه‌ریزی دقیق زمانی و محتوایی برای رشد آگاهی‌های مذکور، رشد آگاهی‌های مرتبط با بیماری‌های جنسی و اطلاع‌رسانی در خصوص چگونگی تکامل ارگانیزم‌های جنسی و علائم آن، اندام جنسی و نحوه رعایت بهداشت آن و همچنین آگاه‌سازی تدریجی و مداوم فرزندان، بدون سرزنش، آگاهی فرزندان پیش از ابتلا به مخاطرات، رشد آگاهی‌های فرزندان در خصوص صفات و رفتارهای جنسی بهنجار، ابعاد روانی، جسمی و دینی رفتارهای جنسی و ... توجه نداشته‌اند.

۲- میزان توجه خانواده‌های شهر تهران به تربیت جنسی فرزندان خود در حیطه اخلاق جنسی پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. در واقع آنان چنان که باید به مقوله‌هایی مانند: ایجاد معیارهای اخلاقی در فرزندان در خصوص پرهیز از روابط پنهانی با جنس مخالف، تأثیرات سوء تمایلات جنسی کنترل نشده در زندگی فردی و اجتماعی، پرهیز و ایجاد معیارهای امتناع درونی از برقراری روابط صمیمانه با دوستان غیر مقید به اصول اخلاقی، کمک به فرزندان در مراعات حدود شرعی در خصوص جنس مخالف، توسعه خودکنترلی غریزه جنسی، آشناسازی آنان با چگونگی تأمین شرایط و ملزومات سنی و قانونی رفتارهای جنسی، لزوم مهارسازی فرایند جنسی، آشنا کردن فرزندان با مکانیسم‌های هدایت متناسب رفتار جنسی، ایجاد تدریجی حد اعتدال و تفکر منطقی در آنان درباره مسائل جنسی و زمینه‌هایی از این قبیل توجه نداشته‌اند.

۳- میزان توجه خانواده‌های شهر تهران به تربیت جنسی

فرزندان خود در آینده پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. در واقع چنان که باید به آماده‌سازی فرزندان برای زندگی مشترک همراه با عشق و تفاهم، احترام گذاردن نسبت به جنس مخالف، ارزش دادن و پذیرش جنس مخالف، شناخت احساسات جنس مخالف، یادگیری سبک عشق‌ورزی، یادگیری سبک برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی با جنس مخالف، آماده‌سازی فرزندان برای توجه به خواست‌های جنس مخالف همراه با عشق و تفاهم برای تشکیل زندگی مشترک تلاش نکرده و حتی در کمک به فرزند برای شناسایی معیارهای انتخاب جنس مخالف توجه مبسوطی نداشته‌اند.

۴- یافته‌های پژوهش مذکور در مجموع نشان از ناتوانی خانواده‌ها در تربیت جنسی فرزندان دارد. آن‌ها در هیچ یک از مؤلفه‌های تربیت جنسی یعنی آگاهی‌های جنسی، آینده جنسی و اخلاق جنسی نتوانسته‌اند با فرزندان خود گفت‌وگو کنند.

۵- بر اساس نظر کرکلی، تربیت جنسی با توجه به سه حیطه آگاهی‌های جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی از مشکلات جوامع امروزی است. از این رو فرهنگ‌سازی و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها در این زمینه، یکی از راه‌حل‌های ترویج تربیت جنسی مطلوب فرزندان در بین خانواده‌هاست.

۶- بین میزان توجه خانواده‌های شهر تهران به تربیت جنسی فرزندان، بر حسب متغیرهای سطح تحصیلات، سن، شغل، و سطح درآمد والدین تفاوت وجود داشته است، به طوری که خانواده‌های دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی به نسبت خانواده‌های دارای مدرک تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، خانواده‌های دارای مشاغل آزاد و کارمند نسبت به خانواده‌های دارای مشاغل کاری و در نهایت، خانواده‌های دارای سطح درآمد بالا به نسبت خانواده‌های دارای سطح درآمد پایین و متوسط، بیش‌تر به تربیت جنسی فرزندان خود توجه نموده‌اند. در مجموع، عوامل فوق می‌توانند به گسترش دایره آگاهی‌های علمی والدین و تأثیر مثبت آن در خصوص تربیت جنسی فرزندان منجر شود.

منبع: فصل نامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران بهار ۱۳۸۶

۴۳